

یک ملت عزادار است

از انتشار خبر شهادت رهبر معظم انقلاب چند ساعتی می‌گذرد، در گذر آیت... خامنه‌ای، چند زن و مرد با چشمانی گریان رد می‌شوند، در دستانشان تصویر رهبر معظم انقلاب قرار دارد، تصویری که نشان می‌دهد رهبر شهید در حال غبارروبی حرم مطهر امام رضا^(ع) هستند. مرضیه خانم از لحظه‌ای که خبر را شنیده دلش طاقت نیاورده است، چادرش را سر کرده و همراه خواهرش به حرم امام مهربانی‌ها رفته است. او با بغضی که در گلو دارد شکسته شکسته می‌گوید: فقط رهبرمان نبودند، بلکه پدر تمام ما بودند.

مرضیه خانم در حرم امام رضا^(ع) در بین جمعیتی که اشک هایشان جاری بوده، مردی را دیده که با صدای بلند اشک می‌ریخت: «از پشت سر به نظرم چهره مرد آشنا می‌آمد کمی که جلوتر رفتم دیدم برادرم است که از آن سوی شهر خودش را به حرم رسانده است.»

او کمی که سرش را برمی‌گرداند سایر بستگان و همسایه‌ها را هم می‌بیند: «انگار هیچ‌کدام از ما نمی‌توانستیم به خاطر چنین مصیبت بزرگی در خانه بمانیم. باید در کنار هم سوگواری می‌کردیم شاید این درد و رنج کمی التیام پیدا کند.»

هنگامی که تصویر رهبر معظم انقلاب را در حرم به دست مرضیه خانم می‌دهند با دیدن چهره آقا در کنار مضع شریف بیشتر دلش می‌شکند: «به خانه برمی‌گردم تا تصویر رهبرم را همراه با پرچمی مشکی بر سر در خانه نصب کنم، امروز یک ملت عزادار است.»

پسر شبیه پدر

زن و شوهری مقابل بیت ایستاده‌اند و به تصویر رهبر معظم انقلاب نگاه می‌کنند، خانه‌شان چند خانه آن طرف تر حسینیه آیت... سید جواد خامنه‌ای است. از آن‌ها درباره رهبر معظم انقلاب و حضورشان در خانه پدری سؤال می‌کنم. مرد شصت سال دارد و نیمی از عمرش را ساکن این محدوده بوده است. او می‌گوید: چیز زیادی به یاد ندارم جز اینکه چند باری که رهبر معظم انقلاب به اینجا آمده‌اند تیم حفاظت در کوچه مستقر بوده است.

او می‌افزاید: «تا جایی که میدانم از سال ۹۰ یا ۹۱ بود که دیگر حضرت آقا به اینجا نیامدند، آن طور که از متولیان بیت شنیده‌ام برای اینکه حضور تیم امنیتی رهبر معظم انقلاب که باید کوچه را کامل رصد کند، زحمتی برای همسایه‌ها درست نکند، در سفرشان به مشهد دیگر به اینجا نیامده‌اند.»

پیرمرد از همسایه‌هایی می‌گوید که ایشان را می‌شناختند، ولی حالا سال‌هاست یا به رحمت خدای فرشته‌اند یا از این محله کوله بارشان را بسته و جای دیگر ساکن هستند: «نانوایی یا سوپرمارکتی که پدر حضرت آقا از آن‌ها خرید می‌کردند خیلی وقت است که از محله رفته‌اند، یادم است گاهی که برای خرید می‌رفتم از اخلاق خوش آیت... سید جواد خامنه‌ای برایم تعریف می‌کردند، از اینکه چقدر مردی مؤمن و متواضع بود که حتی خریدهای خانه‌اش را با وجود اینکه سن و سالی از او گذشته بود خودش انجام می‌داد. حضرت آقا هم از نظر اخلاقی به پدرشان رفته بودند.»

پدری رهبر معظم انقلاب سوگواری

عزای قدیمی

ن پرچم سیاهی که روی سرتاسر دیوار می‌آورد. خانه‌ای که سال‌ها ما امن امنی حالا بار خت عزایی پوشانده شده که بر

رهبر معظم انقلاب را به چشم دیده، بزرگ ل پدری رهبر شهید انقلاب، سال‌هاست ن مردم شناخته می‌شود.

کی که رویش انجام شده، کاملاً شبیه ه است، اما همچنان برای اهالی محله در جلسه قرآن شب‌های جمعه حسینیه

لامی منتشر شده انگار خانه هم چهره تصویر رهبر شهید بر روی دیوار خانه

ند در این خانه پذیرای جمعیت میلیونی می‌باشند به همین دلیل نیز کاغذی بر شده است: «تمام مراسم‌های عزاداری



پسر متفاوت محله

پیرمرد که هشتاد و سه سالگی را پشت سر گذاشته، بر روی صندلی گوشه مغازه نشسته است. محمد جلالی، ۲۵ سال پیش همان موقع که سوی چشمانش را از دست داد، مدیریت مغازه را به پسرش سپرد، ولی خودش هم به مغازه می‌آید چون خانه نشینی را دوست ندارد. حرف‌هایش را این طوری آغاز می‌کند: «آیت... سید جواد خامنه‌ای مرد بسیار بزرگی بود که اخلاق و رفتار خوبش زبانزد یک محله بود. موقعی که بچه بودم گاهی با رهبر معظم انقلاب بازی می‌کردم. به یاد دارم حضرت آقا بچه درس خوانی بود و بیشتر اوقات سرش در کتاب بود.» او می‌افزاید: «از همان کودکی هر وقت حرف از درس و مدرسه می‌شد برخلاف بچه‌های دیگر که خیلی علاقه‌ای به ادامه تحصیل نشان نمی‌دادند رهبر معظم انقلاب خیلی پیگیر بود و از همان پایه ششم می‌گفت می‌خواهد درس حوزوی بخواند و تحصیلات دینی داشته باشد.» او اشاره‌ای هم به خصوصیات پدر رهبر معظم انقلاب می‌کند و می‌گوید: «با وجودی که پسرشان رئیس جمهور شده بود، اما این مرد بزرگوار همان طور افتاده و فروتن باقی مانده بود، خودش برای خرید به مغازه می‌آمد و گاهی با اصرار قبول می‌کرد تا خریدهایش را با دو چرخه‌ام تا در منزل او ببرم.»

زائران سوگوار

زن دسته‌های ویلچر را گرفته و شوهرش را به سمت جلو هل می‌دهد. ته‌لهجه اصفهانی دارند و چند روزی است که برای زیارت به مشهد آمده‌اند. علی کهتری که توان راه رفتن ندارد، می‌گوید: «چند سالی است که ماه مبارک رمضان همراه همسرم برای زیارت به مشهد می‌آییم و از خلوت بودن حرم در روز استفاده کرده و یک دل سیر زیارت می‌کنیم.» او ادامه می‌دهد: «صبح یکشنبه تا خبر شهادت رهبر معظم انقلاب را شنیدم به همسرم گفتم به حرم برویم، در راه افرادی را می‌دیدیم که با چهره‌های گریان به حرم می‌آیند تا اینکه وارد حرم مطهر شدیم. از دیدن سیل جمعیتی که آن جا بود تعجب کردم افراد زیادی به صورت خودجوش بدون اینکه کسی به آن‌ها بگوید، برای عزاداری آمده بودند.» علی آقا با چهره‌ای غمبار می‌گوید: «هر سال که به مشهد می‌آمدیم با حس خوش زیارت برمی‌گشتیم، ولی این بار با کوله‌باری از غم بازمی‌گردیم.»

همسایه‌های حضرت آقا

از گذر آیت... خامنه‌ای که رد می‌شوی در بین تمام کوچه‌های باریک محله سرشور، بر سر در بسیاری از خانه‌ها بیرق عزانصب شده است. این محله زادگاه رهبر معظم انقلاب است، جایی که شاید بسیاری از ساکنانش از نزدیک ایشان را ندیده باشند. اما خودشان را همسایه حضرت آقا می‌دانند. برخی از آن‌ها بعد از افطار به نیت رهبر شهیدشان جلو در منزل قاب عکسی از قائداست اسلامی را می‌گذارند و چند شمع روشن می‌کنند تا به نوعی ارادت خود را به همسایه دیرینشان نشان دهند.